

ارائه راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی

اکرم سماواتیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی راهکارهایی برای ارتقای امنیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی انجام پذیرفت. زیرا امنیت اجتماعی یکی از نیازهای اولیه هر جامعه بشری است و ایجاد آن باعث استمرار ارزش‌ها و نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه و تداوم آن باعث کاهش انحرافات و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی است. این مطالعه با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت در قالب یک سیستم، با روش آمیخته به ارزیابی عوامل تأثیرگذار، تأثیرپذیر، کلیدی و استراتژیک بر سیستم و پایداری یا ناپایداری آن پرداخته است. پس از مرور متون و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی، سؤالاتی در اختیار خبرگان و صاحب‌نظران قرار گرفت که پس از بررسی پاسخ‌ها تعدادی گویه به‌دست آمد. این گویه‌ها برای پیمایش نظرات جامعه پژوهش در اختیار آن‌ها قرار گرفت. برای بررسی روابط میان عوامل، از ماتریسی دو بعدی موسوم به ماتریس اثرات متقابل استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل اثرات متقابل و نرم افزار میک‌مک استفاده شد که در ادامه تحلیل، نتایج نشان داد ۳۷ عامل به‌عنوان عوامل کلیدی در چهار دسته عوامل تأثیرپذیر، تنظیمی، مستقل و دو وجهی شناسایی شدند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پنج بعد فرهنگ، آموزش، تقویت باورهای دینی، نقش رسانه و بومی‌سازی قوانین در ارتقای امنیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش محوری دارند.

واژگان کلیدی: خودافشایی، امنیت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی

مقدمه

یکی از موارد اهتمام به پدیده امنیت اجتماعی در سطح جامعه ارتباط تنگاتنگ این مسأله با رسانه‌ها می‌باشد. همه متفکران عرصه جامعه‌شناسی و ارتباطات و نیز مدیران امنیتی و انتظامی و سیاسی کشور می‌دانند که یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار برای افزایش امنیت، استفاده از رسانه‌ها می‌باشد. رسانه‌ها نقش اساسی در تأمین و حفظ امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند؛ زیرا عامل کلیدی انتشار اطلاعات در نظام‌های اجتماعی هستند و به عنوان عامل اجتماعی، تأثیر قدرتمندی بر رفتار و هنجارهای اجتماعی دارند، به عبارتی دیگر رسانه در فرایند تداخل ضروریات اجتماعی و فرهنگی که از شتاب‌زدگی تاریخ در عصر ما نشأت می‌گیرد، می‌تواند نقش سازنده داشته باشند (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۸). صنعت رسانه به دلیل دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از یک سو و توسعه فناوری‌ها از سوی دیگر همواره در معرض تغییر بوده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق این تحولات در دهه اخیر گسترش خیره‌کننده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بوده است. این گسترش باعث شده که حضور در شبکه‌های اجتماعی به امری اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است (خواجه نیان و همکاران، ۱۳۸۸). شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند نقشی بنیادی در امنیت اجتماعی داشته باشند. اگر در برداشتی وسیع، امنیت را پویایی و پایداری ارزش‌ها و هنجارها در اشکال انتزاعی و انضمامی آن بدانیم، با توجه به تأثیر مستقیم و غیرمستقیم اطلاعات و تأثیر پنهان و آشکار رسانه در شکل‌دهی و تحول ارزش‌ها و هنجارها، به راحتی می‌توان از آثار ناشی از تولد رسانه‌های نوظهور بر امنیت اجتماعی سخن گفت (پوری، ۱۳۹۲: ۲۵).

این رسانه‌ها، به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود، قادر هستند پیام‌ها را به دورترین نقاط منتقل کند و تعداد بی‌شماری از افراد را در سراسر دنیا مورد خطاب قرار دهند. گستردگی بی‌نظیر این شبکه‌ها به‌عنوان ابررسانهٔ جمعی در بین جوامع مختلف به‌عنوان وسیله ارتباطی و حضور آن حتی در حریم خلوت و خصوصی مردم، این ابزار را به‌عنوان قابل قبول‌ترین پیام‌آور و پذیرفتنی‌ترین فرمانروای اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است. اما شبکه‌های اجتماعی مجازی در سراسر دنیا و به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته به دلایل مختلفی آن چنان که باید، در خدمت اهداف و سیاست‌های این کشورها واقع نشده‌اند. یکی از تأثیرات بسیار مهم این شبکه‌ها اثر آن بر امنیت اجتماعی است. ظرفیت‌ها و پتانسیل‌هایی که شبکه‌های اجتماعی مجازی دارا می‌باشند به گروه‌ها و افراد این فرصت را می‌دهد که به صورت‌های مختلف اهداف و دیدگاه‌های خود را به سایر کاربران القا و زمینهٔ شکل‌گیری و ایجاد چالش و نا امنی‌های اجتماعی متعدد را فراهم آورده است. به عبارتی با استفاده از ظرفیت‌های این شبکه‌ها دیدگاه‌ها و گرایش‌های منفی در سطح جامعه گسترش می‌یابد و باورها و عقاید افراد را سست و امنیت اجتماعی را دچار چالش می‌کند.

به دلیل ضریب نفوذ گستردهٔ این شبکه‌ها و همچنین شرایط سیاسی در ایران و مشارکت کم مردم در عرصه‌های عمومی، شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی دارند و به‌عنوان فضایی تلقی می‌شوند که از آن طریق افراد به تبادل اطلاعات و ارتباطات در زمینه‌های متنوعی می‌پردازند. تنوع کاربران و اطلاعات به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی بسیار زیاد است، اما به دلایلی این ویژگی به تهدیدی علیه امنیت اجتماعی بدل شده است. شبکه‌های اجتماعی با ایجاد فرصت‌های متعدد دارای پتانسیل قوی برای ارتقای

امنیت اجتماعی است که به دلیل ضعف معرفتی و نیز شناخت غلط از محیط مزبور و فقدان سیاست‌گذاری منسجم و درازمدت، این شبکه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تهدید امنیت محسوب می‌شوند. لذا با توجه به افزایش تصاعدی کاربران این شبکه‌ها و کارکردهای آن شناخت و درک این پدیده از مهم‌ترین گام‌هایی است که سیاست‌گذاران و مدیران برای استفاده حداکثری از ظرفیت این شبکه‌ها در راستای حل مشکلات اجتماعی و در جهت منافع جامعه باید بردارند. اهمیت موضوع، زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم درصد عظیمی از مخاطبان این رسانه‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند که از نظر توسعه، مهم‌ترین سرمایه انسانی هر کشور تلقی می‌شوند. از این رو با توجه به تغییرات مشهود در جامعه در ارتباط با تأثیرات شبکه‌های اجتماعی درصددیم تا پژوهشی در حوزه تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر امنیت اجتماعی انجام دهیم تا در نهایت بتوان از نتایج حاصل از این پژوهش به ارائه راهکارهای مؤثری برای ارتقای امنیت اجتماعی دست یابیم.

شبکه‌های اجتماعی با دارا بودن ویژگی تعاملی و اشتراک‌گذاری، فضای نوینی را در عرصه کنش‌گری ایجاد می‌کند و از پتانسیل ایجاد تغییرات اجتماعی برخوردارند (خانیک‌ی و بابایی، ۱۳۹۳). در تئوری شبکه اجتماعی سنتی، یک شبکه اجتماعی مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی شامل مردم و سازمان‌ها است که به وسیله مجموعه‌ای از روابط معنی‌دار اجتماعی به هم متصل‌اند و با هم در به اشتراک گذاشتن ارزش‌ها تعامل دارند. شبکه‌های اجتماعی در اشکال و عناوین مختلف وجود دارند اما هدف اصلی همه آنها ارتباط و تبادل اطلاعات افراد با یکدیگر است. شکل سنتی خدمت شبکه اجتماعی بر انواع روابط هم چون دوستی‌ها و روابط چهره به چهره متمرکز است، اما خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیشتر بر

جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط متمرکز است (معمار، عدلی پور و خاکسار، ۱۳۹۱).

مفهوم شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران به طور گسترده در حدود سال ۱۳۸۳ با حضور شبکه خارجی «اورکات» در میان کاربران رواج پیدا کرد و در مدت کوتاهی به قدری سریع رشد کرد که پس از برزیل و آمریکا، ایران سومین کشور حاضر در اورکات شد (افراسیابی، ۱۳۹۳: ۲۹). شبکه‌های اجتماعی مجازی، یک ساختار اجتماعی است که از گروه‌هایی (که عموماً فردی یا سازمانی هستند) تشکیل شده است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی به هم متصل‌اند (یاسمی نژاد، ۱۳۹۰: ۷۷). آنچه که شبکه‌های اجتماعی مجازی را از شبکه‌های اجتماعی متمایز می‌سازد، نه بنیان‌های نظری آن، بلکه متفاوت بودن بستر و سازوکارهای ارتباطی و شیوه تعامل است شبکه‌های اجتماعی مجازی، یکی از بسترهای زندگی در عصر اطلاعات است که روابط رسمی و بوروکراتیک از آن رخت بر بسته و تعامل در آن آسان‌تر و فارغ از دغدغه‌های جاری در فضای فیزیکی صورت می‌گیرد. در نگاه نخست ممکن است شبکه‌های اجتماعی مجازی جزیره‌هایی جدا از هم به نظر برسند، اما واقعیت این است که این شبکه‌ها از طریق سرپل‌های متعدد با یکدیگر مرتبط‌اند و نیروی عظیمی را ایجاد کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی شامل دو شکل اصلی «پروفایل محور» و «محتوا محور» هستند. در شبکه‌های پروفایل محور، کانون فعالیت‌ها پیرامون صفحه‌های حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت‌ها، علایق و گرایش‌های هر عضو شکل می‌گیرد، اما در شبکه‌های مبتنی بر محتوا، پروفایل‌های کاربران در عین حال که دارای جایگاهی مهمی در شکل‌گیری ارتباطات هستند، نقش ثانویه در ارسال محتوا دارند.

مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندانی چون باری بوزان^۱، ال ویور^۲ و لمیتر^۳ تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدیدآمیزی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بودند. بدین معنا که از یک سو با رشد فناوری‌های نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید (همتیان، ۱۳۹۲: ۱۱).

در فرهنگ آکسفورد، امنیت اجتماعی به معنای ارتباط امنیت با جامعه و نوعی سازماندهی و یا امنیتی است که شکل ساخت اجتماعی یافته است (آکسفورد، ۲۰۰۰: ۱۲۷۷). در واقع امنیت اجتماعی توانایی یک جامعه در حفظ ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های خود، در مقابل تهدیدات واقعی یا احتمالی با تداوم شرایط قابل قبولی برای حفظ و تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف اجتماعی است (ویور و دیگران، ۱۹۹۳: ۲۳، به نقل از مولار، ۲۰۰۰: ۱؛ بیلگین، ۲۰۰۳: ۲۱۱؛ ووکتیک^۴، ۲۰۰۲: ۲؛ بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴).

از منظر جمعی، تلقی از امنیت اجتماعی به مثابه فقدان تهدید در برابر هویت جامعه از منظر زبانی، قومی، مذهبی و فرهنگی خاص آن جامعه معنا پیدا می‌کند. از نظر بوزان و ویور، موضوع امنیت اجتماعی درصدد تأمین امنیت برای گروه‌های مختلفی است که به هویت‌های گوناگون در جامعه منتسب هستند و تنوع هویتی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارتقای امنیت اجتماعی است. امنیت اجتماعی به

1-Barry Buzan
2-Ole Waever
1-Lemaiter
2-Srdjan Vucetic

لحاظ مفهومی به معنای تأمین امنیت مادی و معنایی فرد است که بر پایه رویکرد اخلاقی تقدم منافع فردی بر جمع و یا عکس مورد بررسی قرار گیرد. بعد مادی تأمین امنیت برای فرد شامل برآوردن نیازهای مادی اساسی مانند غذا، مسکن، بهداشت و ... است. بعد معنایی تأمین امنیت برای فرد امنیت در برابر انواع ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی، جرم و جنایت و ... است. هر چند تأمین نیازهای مادی برای تأمین بعد معنایی امنیت لازم اما کافی نیست. زیرا ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها نه صرفاً فقدان امنیت مادی بلکه دچار شدن افراد به بحران معنا، هویت، بی‌اعتمادی و ... است.

امنیت اجتماعی خصلت ترکیبی دارد؛ یعنی با برخورداری از دو بعد عینی و ذهنی، امنیت اجتماعی محقق می‌گردد. در واقع، بعد عینی به جسم واحد اجتماعی و بعد ذهنی به روح واحد اجتماعی توجه دارد. حال چون واحد اجتماعی برای زنده ماندن هم به جسم و هم به روح احتیاج دارد، باید در هر واحد اجتماعی هر دو بعد توجه کرد و عوامل مؤثر بر هر دو را شناخت. سه عامل مهم که در بعد ذهنی اهمیت دارد؛ مشاهدات، تجربیات شخصی، رسانه‌ها می‌باشند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

شبکه‌های اجتماعی مختلف با سرویس‌ها و خدمات مختلفی که در اختیار کاربران خود قرار می‌دهند، بر ابعاد مختلف زندگی بشر (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی) تأثیر گذاشته‌اند. با کم‌رنگ شدن اهمیت زمان و مکان و بی‌نیازی به مکان مشترک برای برقراری ارتباط، افراد به شکل آسان‌تری می‌توانند در فضای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. این شکل جدید برقراری ارتباط موجب تحول در فرهنگ و هویت جوامع می‌شود. این شبکه‌ها با ایجاد تغییرات در روابط و مناسبات گروه‌های اجتماعی در زندگی آنها نفوذ کرده و روابط آنان را از

وضعیت سنتی خارج و وارد دنیای جدید تکنولوژی کرده است و فضای جدیدی را برای کاربران ایجاد کرده است تا هم شکل‌گیری رفتارهای جدید را شاهد باشند و هم تغییر رفتارهای سنتی. تغییرات مذکور به محتوای برنامه‌هایی وابسته است که بر روی عقاید، ارزش‌ها، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای ظاهری افراد تأثیر می‌گذارد. این شبکه‌ها می‌توانند به رشد مهارت‌های مختلف یادگیری، مهارت تعامل با فرهنگ‌های مختلف، گسترش ظرفیت‌های فرد برای فعالیت بخشیدن به هویت شخصی خود، سامان ذهنیت‌ها، تحکم پیوندها و انسجام اجتماعی و خلق هویت‌های نوین منجر شده و از سوی دیگر به تنش‌های هویتی در جامعه، تقویت هویت فرهنگ متقابل، بیگانگی و عدم توانایی در ایجاد ارتباط با واقعیت را دامن بزنند (مجردی، ۱۳۹۰: ۲۰).

مرتون و لازارسفلد در مقاله مشهور خود «رسانه‌های جمعی، سلیقه مردم و کنش سازمان‌یافته اجتماعی» کارکرد تقویت هنجارهای اجتماعی از طریق رسانه‌ها را به خوبی مطرح می‌کنند. رسانه‌ها از طریق ارائه درست و یا نادرست مطالب، موجب جهت‌گیری افراد می‌شوند و به نوعی قادرند یک طرز تفکر عمومی در جامعه ایجاد کنند. به دلیل ارائه پیام از طریق رسانه‌ها، افراد عقیده فردی خود را در مقابل عقیده اجتماعی رسانه می‌بینند و در بسیاری موارد در جهت پیام رسانه تغییر عقیده می‌دهند. رسانه‌ها از طریق ارائه هنجارهای خاص اجتماعی به صورت مثبت به افراد تلقین می‌کنند که رفتار ارائه شده در رسانه، رفتار مناسب اجتماعی است. به این ترتیب، رسانه با ارائه رفتار مناسب اجتماعی باعث ایجاد هم‌نواپی در افراد می‌شود (توفیقی، ۱۳۹۰: ۵۹).

با ظهور اینترنت، تغییرات زیادی در روش‌های ارتباط ایجاد شد. بر خلاف سایر رسانه‌های سنتی، اینترنت اساساً راه ارتباطی یک طرفه را به ارتباط دو طرفه

تغییر داد و گردش انبوه اطلاعات در جامعه را شتاب بخشید. علاوه بر این، گسترش دستگاه‌های تلفن همراه و اینترنت پهن باند، ارتباط و تعامل اجتماعی را ممکن می‌سازد. شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله این روش‌هاست که تغییرات بزرگی در محیط جامعه به وجود آورده است. با افزایش تعداد کاربران این شبکه‌ها، اهمیت شبکه اجتماعی مجازی افزایش یافته است. طبق آخرین تحقیقات^۱، هرفردی حداقل در چهار شبکه‌ی اجتماعی مجازی عضو و از آن استفاده کرده است و تعداد کاربران شبکه‌های اجتماعی در سراسر جهان در سال ۲۰۱۷ به ۲,۵۵ میلیارد افزایش یافته است. مهم‌ترین ویژگی شبکه‌های اجتماعی مجازی باز بودن و اشتراک‌گذاری است. بسیاری از مردم از شبکه‌های اجتماعی مجازی برای برقراری ارتباط و اشتراک تجربیات خود با دیگران استفاده می‌کنند و پروفایل‌های خود را که حاوی اطلاعات در مورد خود هستند به‌منظور گسترش شبکه شخصی خود ایجاد می‌کنند. خدمات شبکه اجتماعی یک وسیله مهم برای ایجاد و حفظ ارتباط با دیگر افراد است که به کاربران اجازه می‌دهد افکار، تجربیات و وضعیت خود را به اشتراک بگذارند (ویلکوکس و استین^۲، ۲۰۱۳). از جمله مسائل پیش رو در این شبکه‌ها تاثیر آن بر امنیت اجتماعی است. گروهی معتقدند برای حفظ و ارتقای امنیت اجتماعی در مواجهه با شبکه‌های اجتماعی مجازی ایجاد محدودیت‌هایی برای شکل نگرفتن این ارتباطات ضروری است. یافته‌ها نشان می‌دهد؛ برقراری امنیت اجتماعی با این نگاه راه به جایی نمی‌برد؛ زیرا توسعه و نفوذ فناوری‌های نوین در دنیای کنونی امری اجتناب ناپذیر است و این فناوری‌ها به هر طریقی راه خود را باز می‌کنند. از طرف دیگر مهمترین راه ایجاد گفتمان‌های جهانی و صدور

1-eMarketer (2013). Social networking reaches nearly one in four around the world. Retrieved from <http://www.emarketer.com/Article/Social-Networking-Reaches-Nearly-One-Four-Around-World/10099> 76.

2-Wilcox and Stephen

فرهنگ و تعامل با جهان و ماندن در دیپلماسی جهانی استفاده از این فناوری‌هاست و عدم استفاده و ایجاد روابط به خصوص در بین جوامع باعث انزوای اجتماعی می‌شود و این امر خود به‌عنوان یک عامل خطر ساز و مخل، امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. بر خلاف تصور، هر چه استفاده از ابزارهای اطلاعاتی با سازکارها درونی کردن و جامعه‌پذیری بیشتر در جامعه ارتقا داده شود، امنیت اجتماعی بیشتر بسترسازی خواهد شد (شربتیان، ۱۳۹۲). افزایش تعاملات اجتماعی یکی از اساسی‌ترین فاکتورهای ارتقاء امنیت اجتماعی است و شبکه‌های اجتماعی بر اساس ویژگی اصلی خود این امکان را فراهم نموده است. امنیت اجتماعی در بطن جامعه است و جامعه‌پذیری و درونی‌سازی کنترل و توجه به عوامل زمینه‌ای مانند دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی و ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، فرهنگی، هنجاری و ارزشی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ارتقا آن است. لذا در رابطه با این موضوع، پژوهش‌های متعددی با عناوین مختلف انجام گرفته است که در ادامه به چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

هایلند^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی، مفاهیم ایمنی اجتماعی و امنیت اجتماعی را با هم با هدف درک چگونگی اجزاء ارتباط این مفاهیم بررسی می‌کند. پائول^۲ (۲۰۱۱) به بررسی ابعاد امنیت در امنیت جهانی پرداخته است. از نظر او بین هویت جمعی و امنیت رابطه وجود دارد. تیلر^۳ (۲۰۰۳) به بررسی مفهوم امنیت اجتماعی که توسط مدرسه کپنهاگ توسعه یافته است پرداخته و نشان داد استفاده از تئوری هویت اجتماعی به مفهوم امنیت اجتماعی کمک می‌کند. همچنین، تعریف بسیار واضح‌تری از هویت ارائه می‌دهد. محمد نادیر (۱۳۹۴) در پژوهشی به تبیین نقش اساسی

1-Høyland

2-Paul

3-Theiler

و بنیادی دین در فرهنگ، اثربخشی فرهنگ اسلامی در امنیت اجتماعی پرداخته و معناداری رابطه بین این متغیرها را نشان داده‌اند. باپیری، کمربیگی و درویشی (۱۳۹۴) به بررسی احساس امنیت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه-های استان ایلام و ارتباط آن با برخی متغیرهای زمینه‌ای پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که با توجه به پایین بودن میزان احساس امنیت در بین دانشجویان و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی آنان، برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح احساس امنیت در بین آنها از سوی مسؤولان نظام دانشگاهی ضرورت دارد. مصطفوی کهنگی (۱۳۹۴) به بررسی نقش رسانه‌ها در امنیت اجتماعی پرداخته و نشان دادند رسانه‌ها کارکردی امنیت‌ساز دارند و در ایجاد امنیت از نقشی مؤثر برخوردارند. یافته‌های این مقاله نشان داده است که تا چه میزان رسانه‌ها در برقراری امنیت اجتماعی، جامعه‌پذیر کردن افراد، ایجاد یکپارچگی، هماهنگی اجتماعی و وجدان جمعی مؤثرند و تا چه میزان می‌توانند در افزایش امنیت اجتماعی جامعه ما تأثیرگذار باشند. اجیرلو و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به واکاوی امنیت اجتماعی و مؤلفه‌های آن پرداختند. پورنقدي (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی در نظم و امنیت استان خراسان» به شناسایی تهدیدها و چالش‌های اخلاقی در فضای سایبر و مجردی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر فضای سایبر بر امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. اما در این پژوهش ما به دنبال راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی در این شبکه‌ها هستیم که تاکنون مورد تحقیق قرار نگرفته است.

هدف تحقیق

شناسایی راهکارهای ارتقای امنیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش، به صورت ترکیبی انجام پذیرفته است؛ بدین معنی که در ابتدا با مرور پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده در رابطه با امنیت اجتماعی، مبانی نظری و پیشینه تحقیق تدوین شد. سپس بر اساس روش نمونه‌گیری در دسترس با مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران این حوزه عوامل مرتبط استخراج و پرسشنامه-ای تدوین گردید. پرسشنامه تدوین شده شامل ماتریسی به ابعاد 37×37 می‌باشد که با اعدادی از صفر تا ۳ تکمیل می‌شود. بدین ترتیب که پاسخ دهندگان با توجه به تاثیر عوامل بر یکدیگر اثرات آن را بر امنیت می‌سنجند. بدین طریق، اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر یکدیگر تعیین و عوامل تأثیرگذار، تأثیرپذیر، کلیدی و استراتژیک شناسایی خواهد شد. شایان ذکر است که این شیوه به شیوه اکتشافی بوده و تمرکزش بر این است که چه چیزی تحت شرایط مختلف اتفاق می‌افتد؟ و با پرسش "چه می‌شود اگر...؟" همراه است. برای مثال "چه می‌شود اگر استراتژی X یا Y را دنبال کنیم؟". نمونه آماری این مطالعه ۱۰ نفر از اساتید و خبرگان دانشگاهی و نیروی انتظامی بودند که بر اساس روش گلوله برفی انتخاب شدند.

به منظور انجام محاسبات پیچیده ماتریس تحلیل تأثیرات متقابل و تسهیل انجام تحلیل ساختاری از نرم افزار میک مک^۱ استفاده شد. میک مک مخفف ماتریس ضرایب تأثیر متقابل با هدف طبقه بندی^۲ است. نرم افزار میک مک با قابلیت تبدیل روابط به خروج‌هایی در قالب اشکال و نمودارهای ویژه امکان تحلیل آسان روابط و ساختار سیستم را فراهم می‌سازد. به طور کلی ماتریس‌ها و نمودارهای خروجی نرم افزار دو نوع هستند: یکی ماتریس اثرات مستقیم^۳ نیروهای پیشران و نمودارهای مربوط و دیگری ماتریس اثرات غیرمستقیم^۴ بین نیروهای پیشران و

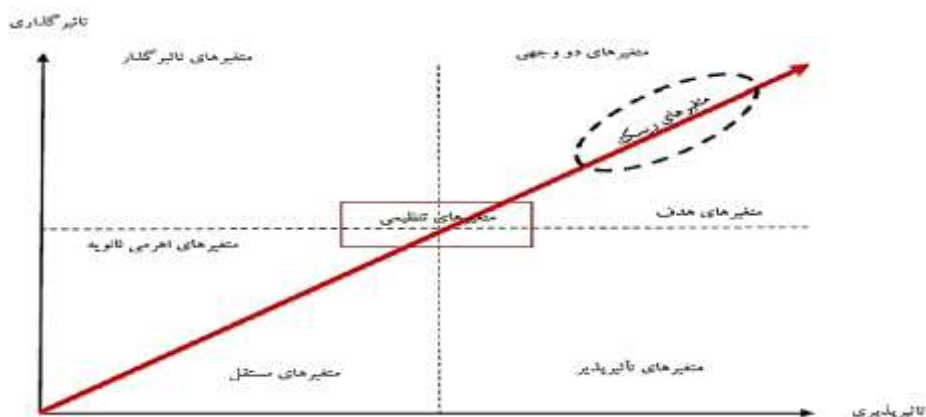
1-MicMac

2-matrix of crossed impact multiplications applied to a classification

3-matrix of direct influences (MDI)

4-matrix of indirect influences (MII)

نمودارهای مرتبط با آن است. مطالعه ماتریس، متغیرهایی که بیشترین اثرگذاری مستقیم را دارند آشکار می‌سازد؛ اما این به تنهایی برای نمایان ساختن متغیرهای پنهانی که گاهی اوقات سیستم مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، کافی نیست. در حقیقت، علاوه بر روابط مستقیم میان متغیرها، روابط غیرمستقیمی از طریق حلقه‌های واکنشی یا بازخوردها میان متغیرها وجود دارد (گوده، ۱۹۹۴).



با نمودار ۱: تأثیرگذاری - تأثیرپذیری (گوده، ۱۹۹۴)

با توجه به مباحث بالا و بر اساس نمودار ۱، خروجی نرم افزار میک مک در قالب پنج دسته از عوامل ارائه می‌شود. این عوامل به دلیل ایفای نقش در پویایی سیستم مورد نظر با هم تفاوت‌هایی دارند که در ادامه به تفکیک درباره آن‌ها بحث می‌شود (گوده، ۱۹۹۴؛ زالی، ۱۳۹۲).

عوامل تعیین کننده یا تأثیرگذار^۱: این متغیرها بیش‌تر تأثیرگذار بوده و کم‌تر تأثیرپذیر هستند؛ بنابراین سیستم بیش‌تر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند.

1-determinant or influential variables

عوامل دو وجهی^۱: این متغیرها، هم زمان به صورتی بسیار تأثیرگذار و بسیار تأثیرپذیر عمل می‌کنند. این متغیرها در قسمت شمال شرقی شکل قرار می‌گیرند. این متغیرها را می‌توان به دو دسته متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف تقسیم بندی کرد:

الف. عوامل هدف^۲: این متغیرها در زیرخط قطری شمال شرقی قرار دارند. این متغیرها بیش از این که تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیرند. بنابراین، آن‌ها را می‌توان با قطعیت بیشتری به عنوان نتایج تکامل سیستم شناسایی کرد.

ب. عوامل ریسک^۳: این متغیرها اطراف خط قطری ناحیه شمال شرقی قرار دارند. این متغیرها ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند؛ زیرا به علت ماهیت ناپایدارشان، پتانسیل آن را دارند که به "نقطه اتصال" سیستم تبدیل شوند.

عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه^۴: متغیرهای تأثیرپذیر یا به بیان بهتر، متغیرهای نتیجه در قسمت جنوب شرقی شکل قرار دارند. آن‌ها تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند؛ بنابراین نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دووجهی، بسیار حساس هستند. آن‌ها متغیرهای خروجی از سیستم هستند.

عوامل مستقل یا مستثنی^۵: این متغیرها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی دارند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی نمودار (محور مختصات) قرار دارند و گویا اصلاً ارتباطی با سیستم ندارند؛ زیرا نه باعث توقف یک متغیر اصلی و نه تکامل و پیشرفت آن در

1- relay variables

2-target variables

3-stake variables

4-dependent or output variables

5-excluded or independent variables

سیستم می‌شوند. با وجود این، در این دسته نیز باید به دو دسته از متغیرها توجه کرد:

الف. عوامل گسسته^۱: این متغیرها در نزدیکی مبدأ مختصات در شکل قرار دارند. این گونه برداشت می‌شود که تکامل این متغیرها ارتباطی به دینامیک سیستم فعلی ندارد و آن‌ها را می‌توان از سیستم خارج کرد.

ب. عوامل اهرمی ثانویه: این متغیرها با وجود این که کاملاً مستقل هستند بیش از این که تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند. آن‌ها در قسمت جنوب غربی و بالای خط قطری قرار دارند و می‌توانند به‌عنوان نقاطی جهت سنجش و معیار به کار روند.

عوامل تنظیمی^۲: یک دسته متغیر دیگر نیز هستند که شایستگی معرفی شدن را دارند. این شایستگی کم‌تر به دلیل معنای ذاتی آن‌ها و بیش‌تر به دلیل موقعیت آن‌ها در مقایسه با دیگر متغیرهای فوق‌الذکر است. آن‌ها متغیرهای تنظیم‌کننده هستند که در نزدیکی مرکز ثقل شکل قرار دارند و می‌توانند به صورت پی‌درپی به‌عنوان اهرمی ثانویه، اهداف ضعیف و متغیرهای ریسک ثانویه عمل کنند (زالی، ۱۳۹۲؛ گوده، دورانس و برگر^۳، ۲۰۰۹).

یافته‌ها

نتایج مصاحبه با خبرگان برای یافتن راهکاری برای افزایش امنیت اجتماعی منجر به شناسایی ۳۷ مؤلفه برای ارائه راهکار برای ارتقا امنیت شد. بعد از تنظیم این مؤلفه‌ها در قالب ماتریس جهت امتیاز دهی مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفت که نتایج امتیازات آن‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

6-disconnected variables
3-regulators
4-Godet, Durance and Gerber

جدول ۱: مجموع امتیازات حاصل از مصاحبه خبرگان

TOTAL NUMBER OF ROWS	TOTAL NUMBER OF COLUMNS	VARIABLE	N
80	89	آموزش دسته بندی اطلاعات افشا شده	1
20	69	شریک کردن مردم	2
84	89	فرهنگ سازی و آموزش	3
38	27	بومی سازی قوانین	4
83	83	استفاده از متخصص و نخبه برای آموزش	5
94	79	ارتقا سطح آموزش رسانه ای	6
69	61	ارائه الگویی مبتنی بر اصول و اخلاقیات خود	7
69	76	درونی سازی فرهنگ و هویت اجتماعی	8
65	87	آموزش عمومی برای رفع تهدید امنیت اجتماعی خودافشایی	9
77	68	نعمیق باورها و ارشاهای دینی و ملی	10
52	71	نهادینه سازی کنترل اجتماعی و خود کنترلی در بین افراد	11
57	75	استفاده از رسانه ها برای تغییر نگرشها، باورها	12
53	53	حمایت از رسانه ها توسط مراکز و نهادهای رسمی پلیس	13
73	68	تولید برنامه های پیشگیرانه توسط پلیس	14
58	57	همسویی حساسیت نیروی انتظامی در مورد خودافشایی با آرمانهای جامعه	15
55	49	پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه توسط ناجا وجود داشته باشد	16
64	57	عدالت در توزیع ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز	17
53	77	جهت مند سازی اهداف و انگیزه های کاربران در خودافشایی	18
36	39	ایجاد گروه دیدبان اینترنتی برای مصون نگاه داشتن افراد در این شبکه ها	19
60	62	ترغیب به حفظ هویت ملی و دینی و اخلاق با مشارکت موثر فرهنگی، دینی و انسانی	20
74	84	آگاه سازی مردم به ویژه نسل جدید از اهداف سوء نیت ها از اطلاعات شخصی	21
89	72	سرمايه گذاري در زمينه فرهنگ سازي اخلاق اسلامي و مجازي	22
78	64	پایبندی به هنجارهای خانواده و اصول مذهبی و اخلاقی و ارزشهای ایرانی و آموزش صحیح کاربری	23
57	76	آموزش استفاده صحیح از شبکه های اجتماعی	24
53	70	خودخواهی و خودبینی و شیفتگی به آزادی های انحرافی و غیر انسانی غرب	25
47	65	تقویت احساس تعلق به جامعه	26

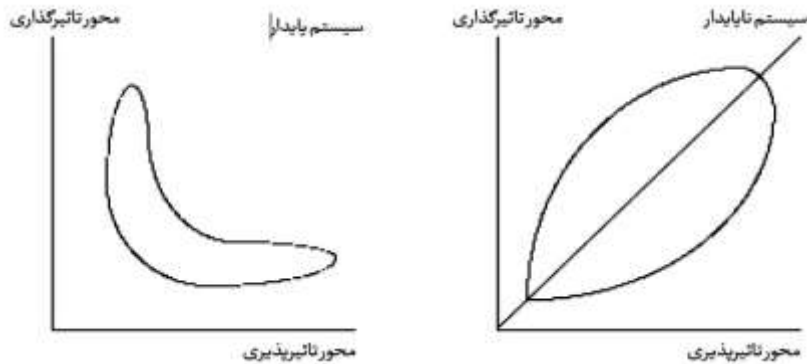
TOTAL NUMBER OF ROWS	TOTAL NUMBER OF COLUMNS	VARIABLE	N
61	59	افزایش شفافیت اطلاعات که باعث ارتقای امنیت اجتماعی می شود	27
74	67	تعامل بیشتر پلیس با مردم و همراهی با آنها	28
98	71	تولید فرهنگ امنیت در جامعه	29
103	71	ارتقا اعتماد برای ایجاد و افزایش مشارکت و همکاری.	30
88	73	زیر سازی اولیه فرهنگی برای پذیرش و ایجاد تغییرات اجتماعی	31
69	65	افزایش هر چه بیشتر نقش مخاطبان	32
83	68	ترویج بهینه هتجارهای فرهنگی مناسب و نهادینه کردن آن	33
67	64	اولویت بخشی به تولید ویژه برنامه های پیشگیرانه	34
78	60	اطلاع رسانی هوشمندانه و ارائه آمارهای هشداردهنده مرتبط به دور از سیاه نمایی	35
85	78	گفتمان سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی کاهش خطرات خود افشایی	36
75	76	برگزاری نشست های تخصصی	37
2519	2519	کل	

تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل نشان داد که ماتریس با ۲ بار چرخش داده‌ای^۱ از مطلوبیت و بهینه شدگی ۸۲ درصد برخوردار است که از روایی بالایی پرسشنامه و پاسخ‌های آن حکایت دارد. درجه پُرشدگی^۲ ماتریس ۹۵٫۶۵ درصد است. از مجموع ۱۱۲۴ رابطه قابل ارزیابی در این ماتریس، ۲۴۵ رابطه عدد صفر بوده که به این معنی است عوامل بر همدیگر تأثیر نداشته یا از همدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند. همچنین، ۲۳۲ رابطه از نوع تأثیرگذاری تأثیرپذیری کم، ۳۸۹- رابطه از نوع تأثیرگذاری- تأثیرپذیری متوسط و ۵۰۳ رابطه از نوع تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قوی است. شناسایی و تحلیل متغیرهای کلیدی تأثیرگذار هر سیستمی نیازمند شناخت و تحلیل وضعیت پایداری یا ناپایداری آن سیستم است. نحوه پراکنش متغیرها در محور مختصات نشان دهنده پایداری یا ناپایداری سیستم است. در

1-number of iterations

2-fillrate

سیستم‌های پایدار پراکنش متغیرها به صورت L انگلیسی است؛ یعنی برخی از متغیرها دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دارای تأثیرپذیری بالا هستند.



در سیستم‌های پایدار، مجموعاً سه دسته متغیر قابل مشاهده هستند : الف. متغیرهای بسیار تأثیرگذار بر سیستم (عوامل کلیدی)، ب. متغیرهای مستقل و ج. متغیرهای خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه). در سیستم‌های پایدار، جایگاه هر یک از متغیرها کاملاً مشخص و نقش آن نیز به وضوح قابل ارائه است. در مقابل، در سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم‌ها، متغیرها حول محور قطری صفحه پراکنده هستند و در اکثر مواقع حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند، که ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را مشکل می‌نماید. با این حال در این سیستم نیز راه‌هایی ترسیم شده‌اند که می‌توانند راهنمای گزینش و شناسایی عوامل کلیدی باشند (گوده^۱، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۶). مؤلفه‌های توزیع راهکارهای افزایش امنیت در صفحه پراکندگی تأثیرگذاری تأثیرپذیری بیان‌گر پایداری سیستم است. مؤلفه‌ها در اطراف قطر محور مختصات

پراکنده نیستند و بیشتر مؤلفه‌ها از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی برخوردار هستند (نمودار ۲).

آنچه از وضعیت صفحه پراکندگی متغیرهای مؤثر بر ارتقای امنیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی مشخص است، وضعیت ناپایدار سیستم است. بیشتر متغیرها در اطراف محور قطری صفحه پراکنده‌اند. به جزء چند عامل که نشان دهنده تأثیرات بالا هستند، بقیه متغیرها وضعیت مشابهی دارند.

متغیرهای تعیین کننده یا تأثیرگذار: این متغیرها بیش تر تأثیرگذار بوده و کم تر تأثیرپذیر هستند؛ بنابراین سیستم بیش تر به این متغیرها بستگی دارد. این متغیرها در قسمت شمال غربی نمودار نمایش داده می‌شوند. متغیرهای تأثیرگذار، بحرانی ترین مؤلفه‌ها می‌باشند؛ زیرا که تغییرات سیستم وابسته به آن‌ها و میزان کنترل بر این متغیرها بسیار مهم است. از طرف دیگر، این متغیرها ورودی سیستم هستند. در میان این دسته متغیرها، اغلب متغیرهای محیطی یا بافتی را که به شدت بر سیستم تأثیرگذارند می‌توان یافت. این متغیرها توسط سیستم قابل کنترل نیستند؛ زیرا که خارج از سیستم قرار دارند و بیش تر به‌عنوان عاملی از اینرسی عمل می‌نمایند. در این مطالعه مولفه‌ای که خارج از کنترل سیستم باشد و به‌عنوان راهکار پیشنهاد شده باشد، یافت نشد.

متغیرهای دووجهی: این متغیرها دارای دو ویژگی مشترک تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا هستند. این متغیرها را می‌توان به دو دسته متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف تقسیم بندی کرد. متغیرهای ریسک، حول و حوش خط قطری ناحیه شمال شرقی نمودار قرار دارند. این متغیرها ظرفیت بالایی جهت تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارا هستند. متغیرهای ریسک این پژوهش شامل فرهنگ‌سازی و آموزش، استفاده از متخصص و نخبه برای آموزش، ارتقای سطح

آموزش رسانه‌ای، سرمایه گذاری در زمینه فرهنگ سازی اخلاق اسلامی و مجازی تولید فرهنگ امنیت در جامعه، ارتقا اعتماد برای ایجاد و افزایش مشارکت و همکاری، زیر سازی اولیه فرهنگی برای پذیرش و ایجاد تغییرات اجتماعی، گفتمان سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی کاهش خطرات خود افشایی هستند.

متغیرهای هدف نیز در زیر ناحیه قطری شمال شرقی صفحه مختصات و نزدیک به محور ایکس‌ها قرار دارند که آموزش دسته بندی اطلاعات افشا شده، آموزش عمومی برای رفع تهدید امنیت اجتماعی خودافشایی، درونی‌سازی فرهنگ و هویت اجتماعی، آگاه‌سازی مردم به‌ویژه نسل جدید از اهداف سوءنیت‌ها از اطلاعات شخصی، برگزاری نشست‌های تخصصی در این دسته قرار می‌گیرند. متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه: این متغیرها تأثیرپذیری بسیار بالا و تأثیرگذاری بسیار پایینی از سیستم داشته و در قسمت جنوب شرقی محور مختصات قرار دارند. در این مطالعه، شریک کردن مردم، استفاده از رسانه‌ها برای تغییر نگرش‌ها، باورها، جهت‌مندسازی اهداف و انگیزه‌های کاربران در خودافشایی، آموزش استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی، در این گروه قرار می‌گیرد.

متغیرهای مستقل یا مستثنی: این متغیرها دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی بوده و در قسمت جنوب غربی محور مختصات قرار گرفته‌اند. متغیرهای مستقل به دو گروه متغیرهای گسسته و اهرمی ثانویه تقسیم می‌شوند. تأثیرگذاری متغیرهای اهرمی ثانویه نسبت به تأثیرپذیری آن‌ها بیش بوده و در بالای خط قطری قسمت جنوب غربی محور مختصات قرار دارند، که بومی سازی قوانین در این دسته قرار می‌گیرد. گروه دوم متغیرهای گسسته هستند که در نزدیکی محور مختصات و زیر خط قطری جنوب غربی قرار دارند. ایجاد گروه دیدبان اینترنتی برای مصون نگاه داشتن افراد در این شبکه‌ها در این دسته قرار می‌گیرد.

متغیرهای تنظیمی: این متغیرها در نزدیکی مرکز ثقل نمودار قرار دارند. در واقع حالت تنظیمی داشته و می‌توانند به عنوان اهرمی ثانویه عمل کنند تعمیق باورها و ارزش‌های دینی و ملی، نهادینه‌سازی کنترل اجتماعی و خودکنترلی در بین افراد، تولید برنامه‌های پیشگیرانه توسط پلیس، حمایت از رسانه‌ها توسط مراکز و نهادهای رسمی پلیس، همسویی حساسیت نیروی انتظامی در مورد خودافشایی با آرمان‌های جامعه، پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه توسط ناجا وجود داشته باشد، خودخواهی و خودبینی و شیفتگی به آزادی‌های انحرافی و غیرانسانی غرب، تقویت احساس تعلق به جامعه، افزایش شفافیت اطلاعات که باعث ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود، تعامل بیشتر پلیس با مردم و همراهی با آنها، عدالت در توزیع ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز، ترغیب به حفظ هویت ملی و دینی و اخلاق با مشارکت مؤثر فرهنگی، دینی و انسانی؛ پایبندی به هنجارهای خانواده و اصول مذهبی و اخلاقی و ارزش‌های ایرانی و آموزش صحیح کاربری، افزایش هر چه بیشتر نقش مخاطبان، ترویج بهینه هنجارهای فرهنگی مناسب و نهادینه کردن آن، اولویت بخشی به تولید ویژه برنامه‌های پیشگیرانه، اطلاع رسانی هوشمندانه و ارائه آمارهای هشداردهنده مرتبط به دور از سیاه نمایی در این دسته قرار می‌گیرند.

نرم افزار میک مک این قابلیت را دارد که هر یک از روابط متغیرها را به توان‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و غیره رسانده و بر این اساس تأثیرات غیرمستقیم متغیرها سنجیده می‌شود. همان گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌شود، دسته بندی مولفه‌های کلیدی تأثیرگذار بر اساس اثرات غیرمستقیم تفاوت اساسی با اثرات مستقیم آن‌ها ندارد. به عبارت دیگر، جابه‌جایی اساسی در جایگاه و رتبه نیروهای پیشران به تفکیک تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم مشاهده نمی‌شود. نمودار جابه‌جایی متغیرها بر اساس تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم نیز گواه این ادعاست (نمودار ۴).

بحث و نتیجه گیری

خلاصه نتایج تحلیل میک مک در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲: خلاصه نتایج تحلیل میک مک برای ارائه راهکار

راهکارهای شناسایی شده	متغیرها	
	تعیین کننده یا تأثیرگذار	
بومی سازی قوانین	اهرمی ثانویه	متغیرهای مستثنی
ایجاد گروه دیدبان اینترنتی برای مصون نگاه داشتن افراد	گسسته	
فرهنگ سازی و آموزش، استفاده از متخصص و نخبه برای آموزش، ارتقای سطح آموزش رسانه ای، سرمایه گذاری در زمینه فرهنگ سازی اخلاق اسلامی و مجازی، تولید فرهنگ امنیت در جامعه، ارتقای اعتماد برای ایجاد و افزایش مشارکت و همکاری، زیرسازی اولیه فرهنگی برای پذیرش و ایجاد تغییرات اجتماعی، گفتمان سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی کاهش خطرات خودافشایی	ریسک	دو وجهی
آموزش دسته بندی اطلاعات افشا شده، آموزش عمومی برای رفع تهدید امنیت اجتماعی خودافشایی، درونی سازی فرهنگ و هویت اجتماعی، آگاه سازی مردم به ویژه نسل جدید از اهداف سوء نیت ها از اطلاعات شخصی، برگزاری نشست های تخصصی	هدف	
شریک کردن مردم، استفاده از رسانه ها برای تغییر نگرش ها، باورها، جهت مند سازی اهداف و انگیزه های کاربران در خودافشایی، آموزش استفاده صحیح از شبکه های اجتماعی		تأثیر پذیر
تعمیق باورها و ارزشهای دینی و ملی، نهادینه سازی کنترل اجتماعی و خود کنترلی در بین افراد، تولید برنامه های پیشگیرانه توسط پلیس، حمایت از رسانه ها توسط مراکز و نهادهای رسمی پلیس، همسویی حساسیت نیروی انتظامی در مورد خودافشایی با آرمان های		

تنظیمی

جامعه، پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه توسط ناجا وجود داشته باشد، خودخواهی و خودبینی و شیفتگی به آزادی‌های انحرافی و غیر انسانی غرب، تقویت احساس تعلق به جامعه، افزایش شفافیت اطلاعات که باعث ارتقای امنیت اجتماعی می شود، تعامل بیشتر پلیس با مردم و همراهی با آنها، عدالت در توزیع ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز، ترغیب به حفظ هویت ملی و دینی و اخلاق با مشارکت موثر فرهنگی، دینی و انسانی؛ پایبندی به هنجارهای خانواده و اصول مذهبی و اخلاقی و ارزش‌های ایرانی و آموزش صحیح کاربری، افزایش هر چه بیشتر نقش مخاطبان، ترویج بهینه هنجارهای فرهنگی مناسب و نهادینه کردن آن، اولویت بخشی به تولید ویژه برنامه‌های پیشگیرانه، اطلاع رسانی هوشمندانه و ارائه آمارهای هشداردهنده مرتبط به دور از سیاه نمایی در این دسته قرار می گیرند.

در نقشه‌های به دست آمده این مطالعه، متغیری که در گروه متغیرهای تعیین کننده قرار داشته باشد، شناسایی نشد و البته چنین نتیجه‌ای جای امیدواری دارد؛ زیرا در صورت شناسایی این متغیرها سیستم قابلیت کنترل خود را از دست می دهد.

در گروه متغیرهای مستقل دو دسته گسسته و اهرمی تقسیم می شوند. ایجاد گروه دیدبان اینترنتی برای مصون نگاه داشتن افراد در گروه متغیرهای گسسته قرار می گیرد با توجه به اینکه تکامل این متغیرها ارتباطی به دینامیک سیستم فعلی ندارد و آنها را می توان از سیستم خارج کرد، می توان بیان داشت چنین راهکاری گرهی از مشکلات حل نمی کند و باید راهکار را در گزینه‌های بهتر جستجو کرد. اما بومی سازی قوانین در گروه متغیرهای اهرمی ثانویه قرار گرفته که این متغیرها با وجود این که کاملاً مستقل هستند بیش از این که تأثیرپذیر باشند، تأثیرگذارند و می توانند به عنوان نقاطی جهت سنجش و معیار به کار روند. پس یکی از راهکارهای خوب برای ایجاد امنیت بومی سازی قوانین است که بسیار تاثیر گذار است.

راهکار دیگر متغیرهای دو وجهی است. این متغیرها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: متغیرهای ریسک و متغیرهای هدف.

متغیرهای ریسک: این متغیرها ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند. فرهنگ‌سازی و آموزش، استفاده از متخصص و نخبه برای آموزش، ارتقای سطح آموزش رسانه‌ای، سرمایه‌گذاری در زمینه فرهنگ‌سازی اخلاق اسلامی و مجازی، تولید فرهنگ امنیت در جامعه، ارتقای اعتماد برای ایجاد و افزایش مشارکت و همکاری، زیرسازی اولیه فرهنگی برای پذیرش و ایجاد تغییرات اجتماعی، گفتمان‌سازی و ارائه راهکارهای عملیاتی کاهش خطرات خودافشایی از جمله متغیرهای ریسک هستند که تمرکز بر روی آن‌ها می‌تواند امنیت فضاها را تا حد چشمگیری افزایش دهد.

متغیرهای هدف: این متغیرها بیش از این که تأثیرگذار باشند، تأثیرپذیرند. با دست‌کاری این متغیرها، می‌توان به تغییرات و تکامل سیستم در جهت مورد نظر دست یافت؛ بنابراین این متغیرها بیش از این که نتایج از پیش تعیین شده‌ای را به نمایش گذارند نمایان‌کننده اهداف ممکن در سیستم هستند. آموزش دسته‌بندی اطلاعات افشا شده، آموزش عمومی برای رفع تهدید امنیت اجتماعی خودافشایی، درونی‌سازی فرهنگ و هویت اجتماعی، آگاه‌سازی مردم به ویژه نسل جدید از اهداف سوء نیت‌ها از اطلاعات شخصی، برگزاری نشست‌های تخصصی در این گروه جای دارند که مؤلفه‌های ارزشمندی برای ایجاد امنیت فضای مجازی محسوب می‌شوند.

متغیرهای تأثیرپذیر یا نتیجه این متغیرها تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالایی دارند؛ بنابراین نسبت به تکامل متغیرهای تأثیرگذار و دو وجهی، بسیار حساس هستند. آن‌ها متغیرهای خروجی از سیستم هستند. شریک کردن مردم،

استفاده از رسانه‌ها برای تغییر نگرش‌ها، باورها، جهت‌مندسازی اهداف و انگیزه‌های کاربران در خودافشایی، آموزش استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی در این گروه قرار می‌گیرند که توجه مسئولین امر را با آنها مبذول می‌داریم.

در نهایت نیز متغیرهای تنظیمی هستند که شایستگی معرفی شدن را دارند و شامل تعمیق باورها و ارزش‌های دینی و ملی، نهادینه‌سازی کنترل اجتماعی و خودکنترلی در بین افراد، تولید برنامه‌های پیشگیرانه توسط پلیس، حمایت از رسانه‌ها توسط مراکز و نهادهای رسمی پلیس، همسویی حساسیت نیروی انتظامی در مورد خودافشایی با آرمان‌های جامعه، پاسخگویی باید به معنای صحیح کلمه توسط ناجا وجود داشته باشد، خودخواهی و خودبینی و شیفتگی به آزادی‌های انحرافی و غیرانسانی غرب، تقویت احساس تعلق به جامعه، افزایش شفافیت اطلاعات که باعث ارتقای امنیت اجتماعی می‌شود، تعامل بیشتر پلیس با مردم و همراهی با آنها، عدالت در توزیع ابزار و امکانات معمول و مورد نیاز، ترغیب به حفظ هویت ملی و دینی و اخلاق با مشارکت موثر فرهنگی، دینی و انسانی؛ پایبندی به هنجارهای خانواده و اصول مذهبی و اخلاقی و ارزش‌های ایرانی و آموزش صحیح کاربری، افزایش هر چه بیشتر نقش مخاطبان، ترویج بهینه هنجارهای فرهنگی مناسب و نهادینه کردن آن، اولویت بخشی به تولید ویژه برنامه‌های پیشگیرانه، اطلاع‌رسانی هوشمندانه و ارائه آمارهای هشداردهنده مرتبط به دور از سیاه نمایی می‌باشند.

بدون شک، هر محققى به هنگام انجام پژوهش، با محدودیت‌هایی مواجه است. مسلماً پژوهشگران حوزه علوم انسانی و اجتماعی بیش از سایر پژوهشگران، با این مسأله مواجه هستند که می‌توان به جدید بودن موضوع، فقدان نگاه روشن و دقیق

به مفهوم امنیت اجتماعی، مبهم بودن تئوری‌های امنیت اجتماعی بسیار کمبود متون منتشر شده و مشکل دسترسی به منابع و اطلاعات اشاره نمود.

منابع

- افراسیابی، محمدصادق، (۱۳۹۲). مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان. تهران، انتشارات سیمای شرق.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- بیات، بهرام، (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تاکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرائم). فصلنامه انتظام اجتماعی. سال اول، شماره اول: ۹-۲۹.
- پوری، احسان، (۱۳۹۲). ارتباطات شبکه‌ای و رهبری مخاطب در شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه رسانه. دوره ۲۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۹۲، 23-32.
- توفیقی، مظاهر، (۱۳۹۰). رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن؛ پژوهشی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهرکرد. پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس تحصیلات تکمیلی دانشگاه علامه طباطبایی.
- خواجه نوری، بیژن. کاوه، مهدی. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه بین مصرف رسانه ای و احساس امنیت اجتماعی. نشریه پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. دوره ۲، شماره ۲ (۶)؛ از صفحه ۵۷ تا صفحه ۷۸.
- خواجه نیان، داتیس؛ فرهنگی، علی اکبر، هادوی نیا، عباس، (۱۳۸۸). طراحی مدل تعاملی مدیریت رسانه و فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی. نشریه پژوهشهای ارتباطی، دوره ۱۶، شماره ۴ (۶۰)، صفحه ۱۱ تا صفحه ۳۶.
- زالی، نادر، (۱۳۹۲).
- آینده نگاری راهبردی در برنامه ریزی و توسعه منطقه ای. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

زالی، نادر، (۱۳۹۲).

آینده نگاری راهبردی در برنامه ریزی و توسعه منطقه ای. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. شریبتیان، محمد حسن، (۱۳۹۲). تاملی نظری بر جامعه شناسی امنیت اجتماعی. تهران، انتشارات. شماره ۲.

عظیمی، حسین، اقاچانلو، نرگس؛ نجفی، فاطمه (۱۳۹۱). تأثیر رسانه‌های جمعی بر ایجاد امنیت. فصلنامه دانش انتظامی زنجان. سال اول، ش ۴.

فرهنگی، علی اکبر، (۱۳۷۳). ارتباطات انسانی. تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا. مجردی، سعید، (۱۳۹۱). اینترنت و امنیت اجتماعی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

معمارثریا؛ عدلی پور، صمد؛ خاکسار، فایزه، (۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. دوره اول، شماره ۴.

همتیان، علی اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن. انتشارات بوستان کتاب.

یاسمی نژاد، عرفان؛ آزادی، اکرم؛ آمویی، محمد رضا، (۱۳۹۰). فضای مجازی، امنیت اجتماعی، راهبردها و استراتژی‌ها. همایش ملی صنایع فرهنگی و نقش آن در توسعه پایدار.

Altman, I., & Taylor, D. A. (1973). *Social penetration: The development of interpersonal relationships*. New York: Holt, Rinehart & Winston.

Ellison, N. B., Steinfield, C., and Lampe, C. (2007). The benefits of Facebook "friends:" Social capital and college students' use of online social networks sites. *Journal of Computer Mediated Communication*, 12 (4), 1143-1168.

Godet, M., (1994). *From anticipation to action: A handbook of strategic prospective*. Paris: Unesco Publishing.

Godet, M., Durance, P., Gerber, A. (2009). *Strategic foresight: Use and misuse of scenario building*. Paris: Dunod

Høyland, Sindre Aske, (2017). Exploring and modeling the societal safety and societal security concepts – A systematic review, empirical study and key implications. *Safety Science*. ISSN0925-7535. p. 1-16. DOI: 10.1016/j.ssci.2017.10.019.

- Kwon, M. W., D'Angelo, J., and McLeod, D. M. (2013). Facebook use and social capital: To bond, to bridge, or to escape. *Bulletin of Science, Technology and Society*, 33 (1-2), 35-43.
- Lee, K. T., Noh, M. J., and Koo, D. M. (2013). Lonely people are no longer lonely on social networking sites: The mediating role of self-disclosure and social support. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 16 (6), 413-418.
- Miok Kwon, Kyungtag Lee, 2015, The effect of self-disclosure on social capital and will bing, Proceedings of intcess15- 2nd International Conference on Education and Social Sciences
- Paul, Roe, (2010). The societal dimension of global security. available from <https://www.eolss.net/sample-chapters/C04/E1-68-04.pdf>
- Steinfeld, C., Ellison, N. B., and Lampe, C. (2008). Social capital, self esteem, and use of online social network sites: A longitudinal analysis. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29 (6), 434-445.
- Stepanikova, I., Nie, N. H., & He, X. (2010). Time on the Internet at home, loneliness, and life satisfaction: Evidence from panel time-diary data. *Computers in Human Behavior* 26(3), 329~338.
- Theiler, Tobias, (2003). Societal Security and Social Psychology. *Review of International Studies*, Vol. 29, No. 2, pp. 249-268
- Wilcox, K., & Stephen, A. T. (2013). Are close friends the enemy? Online social networks, self-esteem, and self-control. *Journal of Consumer Research*, 40 (1), 90-103.